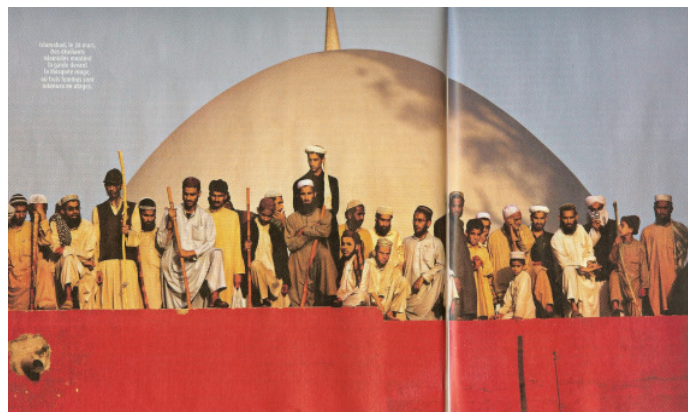


## امارت اسلامی طالبان در اسلام آباد پاکستان

### ترجمه آزاد از منابع مطبوعات فرانسه

طالبان تصمیم گرفته اند که پاکستان را یک دولت اسلامیست بسازند و تهدید کرده اند که در صورت مخالفت و توقیف اعضای شان حملات انتحاری را توسط سربازان کمیکاز (Kamikazes) در اسلام آباد پایتخت این کشور آغاز نمایند.



طالبان افغان و پاکستانی در مقابل مسجد سرخ

جنرال پرویز مشرف هر روز بیشتر تسلیم طالبان مسجد سرخ میگردد. مسجد سرخ یکی از مساجد جامع بزرگ اسلام آباد است که در بطن آن دو مدرسه قرآنی وجود دارد که هر کدام آن دارای هزاران طلبه است و در راس آن مولانا عبدالرشید غازی یکی از دشمنان درجه یک پرویز مشرف قرار دارد. مولانا عبدالرشید غازی آمر مطلق العنان و بعد از خدا خلیفه مسجد سرخ است، مسجدی که هزاران طلبه افراطی را در آغوش خود تربیه می کند.

مولانا عبدالرشید خواب آنرا می بیند که اگر چانس یاری کند و خدایش بخواهد روزی در پاکستان امارت اسلامی ایرا مستقر ببیند که به روی مودل امارت اسلامی طالبان در افغانستان بنا شده باشد.

دو هفته قبل یک کوماندوی طلبه این مدرسه به منزل شخصی خانم سنی مذهبی به نام " شمیم بیگم " حمله بردند و این خانم را با پسر ، دختر ، عروس و نواسه شیرخوارش به جرم مرده گاوی دستگیر کردند و برای ۴۸ ساعت در داخل این مسجد توقیف نمودند و تا که موصوفه اجباراً در برابر مردم به جرم ناکرده اش اعتراف نکرد رهایشان نکردند.

میرمن شمیم زن سالخورده و مسن پاکستانی بعد از آزاد شدن در حالیکه در برابر مردم اشک می ریخت گفت : " من انتخاب دیگری نداشتم و به هر قیمت می خواستم از شر آنها آزاد شوم ، فلها آنچه گفتند گفتم و برای نجات خود و فرزندان معصوم اعتراف غیر حقی را که می خواستند از من گرفتند. " و با صدای لرزان و چشمان اشکبار افزود :

**" اگر اسلام همین است من حاضرم به دین مسیح روی آورم. اینها بنام اسلام یک زن مو سفید را لت و کوب نمودند و مثل یک سگ با ریسمانی در گردنم به روی زمین کشم کردند. "**

او با آواز خفیف و پر از ارعاب اضافه کرد : " آنها دروازه منزل ما را شکستند، تلویزیون ما را با فوتوی بردم که در بالای آن بود شکستند. به جرئت می گویم که اینها دهشت افگن و تروریست ها هستند. " دختر این خانم که ازین حادثه بسیار دل پرورد داشت چنین اظهار نمود : " اینها به منزل ما با فریاد الله اکبر در آمدند. من نمیدانم اینها به نام چه و به کدام حق به منزل شخصی مردم داخل می شوند و هموطن

خویش را می ربایند و نمیدانم که حکومت پاکستان چرا در برابر اینها خاموشی اختیار کرد و برای نجات ما داخل اقدام نشد."

### برای توقف فساد :

به قرار اظهارات مولانا عبدالرشید غازی و برادرش مولانا عبدالعزیز که این مسجد جامع و مدرسه های آنرا اداره میکنند مردم این ناحیه از اعمال خانم شمیم به آنها شکایت کرده و تقاضا نمودند که اداره مسجد برای جلوگیری از فساد داخل اقدام شود.

وقتی قوای پولیس برای رهائی اختطاف شدگان به سوی این مسجد آمدند در برابر خود صد ها طلبه را دیدند که مانند اعراب سعودی سیاه پوشیده بودند و همه با چوب ها و میله های آهنی مسلح بودند. در برج جنوری امسال حکومت پاکستان چند مسجد خورد را که در چند ناحیه شهر خود سرانه و بدون مجوز قانونی از شاروالی اعمار شده بود تخریب نمود ولی فوراً به عکس العمل شدید طلبه های مدرسه مسجد سرخ مقابل گردید.

طلبه های این مدارس به محل آمدند و برای انتقام جوئی و تهدید دولت یکی از کتابخانه های همان ناحیه را با یک مغازه کسیت و سی دی و دی وی اشغال کردند و به سوختاندن کتاب های که به زعم آنها غیر اسلامی اند شروع کردند که در تصویر زیر ملاحظه میکنید. مالکین دیگر دکان های کسیت و سی دی فروشی میگویند که تا حال چندین بار از طرف طلبه این مدارس تهدید شده اند که باید دکان های خود را ببندند ورنه به سرنوشت مشابهی دچار میشوند. این اولین بار است که در اسلام آباد چنین اتفاقاتی روی میدهد و سبب تشویش و پریشانی باشندگان آن میشود.



طالبان در حالت حریق کردن هزاران کتاب، کسیت و سی دی ها در اسلام آباد

وقتی قوای پولیس جهت مانع شدن اشغال و تخریب کتابخانه به محل آمدند با طلبه ای که همه با سلاح کلاشنیکوف مسلح بودند، مقابل شدند. و از جانب دیگر مولانا عبدالرشید غازی به حکومت اخطار داد که اگر قوای پولیس و امنیت دولتی عقب نشینی نکنند و به فکر بازداشت و توقیف او باشند سربازان انتحاری او شهر اسلام آباد را به دوزخی مبدل خواهند کرد.

بالاخره حکومت اعلان کرد که مساجد تخریب شده را دوباره بصورت عصری اعمار می نماید و قوای امنیتی محل را ترک گفت.

زمانیکه مولانا حکومت پاکستان را از دفتر کارش اخطار میداد، تعدادی از طلبه ها پشت کمپیوترها نشسته بودند و مصروف ثبت کردند سی دی ها جهت تبلیغ مردم برای جهاد اسلامی بودند.

مولانا هیچوقت طرفداری و حمایتش را از طالبان افغانستان پنهان نکرده است و از دوستی اش با بن لادن به افتخار سخن میگوید. او بن لادن را برای بار اول در ۱۹۹۸ در افغانستان ملاقات کرده است و از او خاطره بس نکو دارد.

در سال ۲۰۰۴ وقتی نیروهای اردوی پاکستان حملات خود را در مناطق سرحدی برای سرکوبی طالبان و القاعده آغاز نمود، مولانا عبدالرشید غازی فتوایی صادر کرد که جنازه عساکر کشته شده در این جنگ

مستحق مراسم دفن اسلامی نیستند زیرا آنها برادران مسلمان خود را می‌کشند و این عمل در دین اسلام مجازات شدید دارد.

در عقب مسجد سرخ آنجائی که مدخل مدرسه دختران است، یک گروپ طلاب ذکور مدرسه با چهره های پوشیده و مسلح با کلشنیکوف بهره میدهند.

در مدرسه دختران جوان، ملائی در عقب پرده ای نشسته آن آیات قرآنی را می‌خواند که راجع به عدالت کردن شوهر بین زنان مختلفش است و به مردان امر میکند که نوبت زنان خویش را مراعات کنند. در صنوف دیگر این مدرسه در حدود شش هزار طلبه تلاوت قرآن را می‌آموزند. جوانترین های آنها در پهلوی تلاوت قرآن مضامین ساینس و لسان انگلیسی را هم میخوانند.

ام حسن یکی از طلبه های ذکور میگوید: "مدرسه ما از یک تدریس جامع مطابق ایجابات عصر و زمان بر خوردار است:"

نامه نگار فوراً می پرسد: "پس با طالبان افغانستان بسیار فرق دارید!"

ام حسن در جواب میگوید: "خیر بین طالبان افغان و ما هیچ فرقی نیست! ولی متأسفانه طالبان افغانستان فرصت آنرا نیافتند که درایت و توانائی خویش را نشان دهند ورنه میتوانستند در افغانستان یک رژیم کاملاً اسلامی را مستقر سازند و یکبار که صلح و سلام در جامعه حکمفرما می شد و امنیت تأمین، حتماً مکاتب دختران را مجدداً باز میکردند."

در یکی از محافلی که در مدرسه اناث منعقد شده بود، طلبه ها یک صحنه تیاتر را بازی کردند که جهاد اسلامی را تمثیل میکرد و دسته دسته خواندن های جهادی را اجرا کردند که همه مردم را به جهاد و شهادت توصیه و تشویق میکرد.

سمیه دختر ۲۰ ساله یکی از طالبان اناث میگوید: "ما همه حاضر و آماده ایم که زندگی خود ها را برای دین خود بدهیم و با دل و جان میدانیم که وظیفه مقدس ماست که دین مقدس اسلام را به تمام دنیا انتشار بدهیم.(۱)

یک جنرال متقاعد اردوی پاکستان در منزل ایلاقی اش در بیرون اسلام آباد تشویشش را چنین اظهار داشت: "حکومت پاکستان به یک بازی بسیار خطرناک دست زد و در حقیقت با میدان دادن اسلامیت ها با آتش بازی کرد. متأسفانه امروز دیر است و اسلامیت ها نقش خود را در جامعه گذاشته اند و اثرات شان در بین مردم پاکستان بسیار محسوس است."

مناطق سرحدی با افغانستان (سرحد آزاد) شدیداً در پرتگاه طالبانیزاسیون قرار گرفته است و طالبان از طریق رادیو ها و شبنامه ها مردم را تهدید میکنند که دختران خود را به مکتب نفرستند و تلویزیون های خود را بشکنند و از واکسیناسیون اطفال بر ضد مرض پولیومیلیت جلوگیری کنند چه موسسات واکسیناسیون داخلی و خارجی دروغ میگویند و این یک توطئه غرب است که میخواهند اولاد ما را عقیم سازند و از تکثیر مسلمین جلوگیری کنند.

در پیشاور شبنامه ها به آدرس دختران میرسد و تهدید میشوند که چادری بپوشند و سلمانی ها تهدید میشوند که ریش مردان را نتراشند.

در وزیرستان طالبان افغانی کوشش دارند جوانان مکاتب و لیسه ها را به زور مجبور بسازند که به جهاد بروند. چند روز قبل جنگ شدیدی بین قسمتی از باشندگان وزیرستان که برای جلوگیری از پیشرفت طالبان از یک تبار القاعده، از حکومت پاکستان پول دریافت میدارند در گرفت که منجر به قتل ۳۰۰ نفر از هر دو جانب شد.

اکثریت پاکستانی ها مخالفند که از طرف اسلامیت های افراطی گروگان گرفته شوند. به روز دوشنبه ۲۳ اپریل تظاهرات بزرگی که از یکصد هزار نفر تجاوز میکرد در شهر بزرگ تجارتي کراچی به راه انداخته شد که در آن شعارهای ضد مسجد سرخ شنیده می شد و اعمال رهبران آن مسجد را محکوم میکردند و حتی بزرگان و رهبران مذاهب مختلف نوشته ای بیرون دادند که میگفت: (شریعتی را که با کلشنیکوف پیاده شود رد می نمائیم).

از یکماه به اینطرف جنرال مشرف بصورت آزادانه از طرف مردم پاکستان نکوهش میشود. همچنان دیموکراسی های غرب به شمول امریکا او را محکوم میکنند و خواهان آزادی های بیشتر دیموکراتیک استند.

آخرین لغزش او برطرفی لوی حارنوال پاکستان بود که به نسبت آغاز تحقیق در باره فساد اداری مخصوصاً نزد اعضای بلند رتبه دولت از وظیفه اش برکنار شد. رسانه های خبری این برکناری را مورد بررسی و مذاقه قرار دادند و تصاویر تظاهرات مخالفینی را که برضد مشرف شعار میدادند از ورا

رسانه ها و تلویزیون ها پخش کردند. همان بود که قوای امنیتی به اداره یکی از تلویزیون های مهم پاکستان (البته تلویزیون شخصی) حمله برد و از شدت و بربریت کار گرفت. این عکس العمل مشرف در اذهان مردم شک و تردید زیادی در مورد او ایجاد کرده است چه با این تصامیمش تصویر دروغین دیموکراسی پسندی اش درز برداشت و چهره اصلی او هویدا گردید. شک و تردید وقتی زیاد شد که او در مورد اعمال غیر انسانی و افراطی رهبران مسجد سرخ و فعالیت های اسلامیت های افراطی عکس العملی نشان نمی دهد ولی در برابر مردمیکه خودش را مورد انتقاد قرار میدهند بیرحمانه عمل میکند. (۲)

ختم

Revue Marianne mai 2007  
Libération avril 2007

(۱) مجله هفته وار ماریان  
(۲) جریده لیبرسیون